

## اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازهی شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکتها

بهمن بنی مهد<sup>۱</sup>، تهمینه باغبانی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲. کارشناس ارشد حسابداری - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۵/۲۰، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۸/۲۴)

### چکیده

این پژوهش اثر محافظه کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازهی شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکتها، در ۴۸ شرکت زیان ده از شرکت های خارج شده از تابلوی بورس اوراق بهادار تهران را برای دوره ی زمانی ۷ ساله ۱۳۸۰ - ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار می دهد. نتایج پژوهش نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری با زیان دهی شرکتها رابطه ای مستقیم دارد. این موضوع از دیدگاه نظری پذیرفته شده و مشابه نتایج پژوهش های خارجی است. هم چنین نتایج پژوهش بر وجود رابطه ای مستقیم میان اندازه ی شرکتها و زیان دهی و رابطه ای معکوس میان نسبت اهرمی و زیان دهی تأکید دارد. نتایج نشان می دهد که مالکیت دولتی، اثری بر زیان دهی شرکتها ندارد. هم چنین نتایج مزبور، محافظه کاری حسابداری را مکانیزم قراردادی مؤثری برای محدود نمودن رفتار جانبدارانه ی مدیر در بیش نمایی از سود در شرکت های زیان ده می شناسد و از این رو، محافظه کاری را موجب ارتقای ارزش شرکت های زیان ده در بلند مدت می داند.

واژه های کلیدی: محافظه کاری حسابداری، زیان حسابداری، شرکت های زیان ده، مالکیت دولتی، اندازه ی شرکت و نسبت اهرمی

## ۱. مقدمه

مطالعه‌های گیولی و هین (۲۰۰۰) و کلین و مارکوآرت (۲۰۰۶) در آمریکا و نیز بال کریشنا و همکاران (۲۰۰۷) در استرالیا درباره‌ی زیان شرکت‌ها، نشان‌دهنده‌ی افزایش وهم‌چنین مداومت زیان شرکت‌ها در سال‌های اخیر در این کشورها است. نتایج این پژوهش‌ها بیانگر وجود رابطه‌ای مستقیم میان زیان حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری بودند [۱۱] و [۱۲]. در ایران نیز، هیئت‌پذیرش در سال ۱۳۸۷ شرکت‌های حاضر در تابلوی چهارم را بررسی و بیش از ۳۰ شرکت را از بورس اخراج کرد. این شرکت‌ها به دلیل عدم احراز شرایط تابلوها و بازارها از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حذف شدند. هدف این پژوهش آن است که نخست رابطه‌ی میان زیان حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های زیان‌ده طی یک دوره ۷ ساله را بررسی، و درثانی الگویی را برای برآورد زیان آن‌ها بر اساس شاخص محافظه‌کاری حسابداری پیشنهاد نماید. اهمیت پژوهش این است که به گونه‌ی تجربی به تحلیل گران مالی، سرمایه‌گذاران، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری نشان دهد که محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند بر عملکرد شرکت‌های زیان‌ده اثرگذار باشد. به عبارت دیگر در تجزیه و تحلیل اطلاعات حسابداری باید به میزان محافظه‌کاری نهفته در آن توجه نمود. در نهایت این پژوهش، اهمیت محافظه‌کاری را در ارزیابی عملکرد شرکت‌های زیان‌ده مشخص می‌نماید.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

### ۲-۱. تعریف محافظه‌کاری

باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه‌ی بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. این تعریف محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می‌نماید [۷]. اما تعریف دیگر (فلتهام و اولسون ۱۹۹۵)، تعریف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. براساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد [۸]. تعریف سوم درباره‌ی محافظه‌کاری (گیولی و هین ۲۰۰۰) بر پایه‌ی دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است

که منجر به کاهش سود انباشته‌ی گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود [۱۱]. در این پژوهش از تعریف سوم برای محاسبه‌ی شاخص محافظه کاری استفاده شده است. دلیل انتخاب تعریف سوم برای اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری به تفصیل در بخش متغیرهای مورد مطالعه - ی این مقاله آورده شده است. دسته‌بندی دیگری برای تعریف محافظه کاری از سوی رایان (۲۰۰۶) ارائه شده است که عبارت است از محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیر شرطی. محافظه کاری شرطی، محافظه کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب و مطلوب. برای مثال کاربرد قاعده‌ی اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه کاری شرطی است. به این نوع محافظه کاری، محافظه کاری سود و زیان و یا محافظه کاری گذشته نگر نیز می‌گویند. اما محافظه کاری غیر شرطی از طریق استانداردهای پذیرفته شده‌ی حسابداری، الزام نشده است. این نوع محافظه کاری، کمتر از واقع نشان دادن ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به واسطه‌ی رویه‌های از پیش تعیین شده حسابداری است. این محافظه کاری، به محافظه کاری ترازنامه و یا محافظه کاری آینده‌نگر نیز معروف است [۱۶].

## ۲-۲. پیشینه‌ی پژوهش

### ۲-۲-۱. پژوهش‌های خارجی

گیولی و هین (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان دادند، سودآوری در طی چهار دهه‌ی گذشته، در آمریکا کاهش یافته است. اما این کاهش، موجب کاهش جریان‌ات نقدی نشده است. نتایج پژوهش آن‌ها به این موضوع اشاره دارد که شناخت زیان نسبت به سود زودتر انجام می‌شود و میزان محافظه کاری غیر شرطی و گزارش زیان به ۳۵ درصد در گزارشگری مالی آمریکا افزایش یافته است [۱۱]. کلین و مارکوآرت (۲۰۰۶) نشان دادند که رابطه‌ی مستقیم میان افزایش محافظه کاری غیر شرطی و افزایش زیان‌دهی شرکت‌ها وجود دارد. آن‌ها طی یک دوره‌ی ۵۰ ساله (نیمه‌ی دوم قرن بیستم) از شرکت‌های آمریکایی به رابطه‌ی مستقیمی میان محافظه کاری و زیان‌دهی شرکت‌ها دست یافتند و نتایج پژوهش گیولی و هین را تأیید نمودند [۱۲]. در استرالیا نیز بال کریشنا و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که ۴۰ درصد شرکت‌های نمونه‌ی پژوهش طی دوره‌ی ۱۰ ساله ۱۹۹۳ - ۲۰۰۳ زیان گزارش و میزان

محافظه‌کاری شرطی افزایش یافته است [۶]. باسو (۱۹۹۷) در تخمین شاخص محافظه‌کاری، رابطه‌ی بین عایدات و بازده سهام را از طریق رگرسیون بررسی نمود. او دریافت در شرکت‌هایی که بازده سهام آن‌ها منفی است، بازده سهام همبستگی بیشتری با عایدات دارد تا در شرکت‌هایی که بازده سهام آن‌ها مثبت است. باسو دریافت در دوره‌هایی که دعاوی قضایی در آمریکا افزایش یافته، محافظه‌کاری نیز افزایش یافته است [۷]. واتز و زیمرمن (۱۹۷۸) معتقدند که شرکت‌هایی که با هزینه‌های سیاسی بالا مواجه هستند، تمایل زیادی به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌ی حسابداری دارند [۱۷]. در تأیید عقیده‌ی آن‌ها احمد و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ، از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌ی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها استفاده می‌کنند. هم‌چنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اگر تضاد منافع میان وام‌دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد، در آن صورت مدیران شرکت‌های وام‌گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌ی حسابداری دارند [۴]. واتز (۲۰۰۳) معتقد است اگر قراردادهای شرکت با گروه‌های مختلف مانند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان براساس ارقام حسابداری تنظیم شود، آن‌گاه به علت وجود تضاد منافع میان مدیران و آن گروه‌ها، مدیران شرکت‌ها سعی خواهند کرد تا با انجام رفتارهای جانبدارانه، آن ارقام را به نفع خود دست‌کاری نمایند. برای مثال سود و یا دارایی‌ها را افزایش و بدهی‌ها را کاهش می‌دهند. در این میان، محافظه‌کاری مکانیزمی قراردادی مؤثر از طریق به تأخیر انداختن شناخت سود و دارایی و شناخت به موقع زیان و بدهی، رفتار جانبدارانه‌ی مدیر را خنثی می‌کند [۱۸]. احمد و دلمن (۲۰۰۸) در پژوهش دیگری نتیجه می‌گیرند، محافظه‌کاری حسابداری مانع سرمایه‌گذاران در پروژهای با بازده منفی می‌شود. هم‌چنین او درمی‌یابد که رابطه‌ی مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیئت مدیره و محافظه‌کاری وجود دارد [۵]. نتایج پژوهش قوآنک (۲۰۰۷) نشان داد که محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی نقش‌های متفاوتی در هر یک از تفاسیر محافظه‌کاری بازی می‌کنند. تفسیر قراردادی منجر به محافظه‌کاری شرطی و تفسیر دعاوی حقوقی منجر به هر دو شکل محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی می‌شود. سایر تفاسیر نیز منجر به محافظه‌کاری غیر شرطی می‌شوند. او هم‌چنین دریافت که با افزایش محافظه‌کاری غیر شرطی، محافظه‌کاری شرطی کاهش می‌یابد بنابراین لازم است تا نوعی تعادل میان آن‌ها ایجاد شود [۱۵]. گارسیا و همکاران (۲۰۰۶) به

رابطه‌ای معکوس بین محافظه کاری و هزینه‌ی سرمایه دست یافتند. آن‌ها دریافتند که محافظه کاری، ریسک شرکت و در نتیجه هزینه‌ی سرمایه را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدل‌های قبلی اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری، که رابطه‌ی میان محافظه کاری و هزینه‌ی سرمایه را بررسی می‌نمودند، هر چند از لحاظ نظری صحیح هستند، اما خطاهایی نیز دارند [۹]. گیولی و همکاران (۲۰۰۷) اشاره دارند که برای محاسبه‌ی شاخص محافظه کاری، هم‌زمان باید از مدل‌های مختلف استفاده نمود. آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که نتایج مدل باسو با سایر مدل‌ها متفاوت است و با توجه به این که محیط گزارشگری از نظر نوع صنعت، کشور و دوره‌ی زمانی متفاوت است باید هم‌زمان از مدل‌های متفاوت استفاده نمود [۱۰].

#### ۱-۲-۲. پژوهش‌های داخلی

بنی مهد (۱۳۸۵) بر اساس اطلاعات یک دوره‌ی یازده ساله (۱۳۷۳ - ۱۳۸۳) از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، عوامل مؤثر بر محافظه کاری حسابداری را تعیین و مدلی را برای اندازه‌گیری آن پیشنهاد داد. نتایج پژوهش او نشان داد که محافظه-کاری حسابداری و شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) در ایران طی دوره‌ی پژوهش به-طور هم‌زمان کاهش یافته است. اندازه‌ی شرکت‌ها و مالیات بر محافظه کاری حسابداری اثری نداشته و محافظه کاری حسابداری نمی‌تواند به‌عنوان مکانیزمی قراردادی کارآمد برای کاهش تعارض‌های تقسیم سود بین سهامداران و اعتباردهندگان محسوب شود [۱].

کردستانی و امیر بیگی (۱۳۸۷) رابطه‌ی بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در این پژوهش دریافتند که بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، رابطه‌ای منفی اما معنادار وجود دارد و هر چه دوره‌ی برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی‌تر شود، این رابطه نیز منفی‌تر می‌شود [۳]. در پژوهش دیگر، رضا زاده و آزاد (۱۳۸۷) رابطه‌ی بین محافظه-کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی را طی دوره‌ی ۱۳۸۱-۱۳۸۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی مثبت و معنادار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و محافظه کاری حسابداری است. هم‌چنین طبق نتیجه‌گیری

آن‌ها، تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه‌کاری می‌شود [۲].

### ۳. فرضیه‌ها

در این پژوهش براساس اهداف، اهمیت پژوهش و مبانی نظری آن که در صفحات قبل به آن اشاره شد، فرضیه‌های زیر تدوین شده است. تفاوت فرضیه‌های این پژوهش با پژوهش‌های داخلی در آن است، که تاکنون در پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع محافظه‌کاری حسابداری، برای آزمون فرضیه‌ها در اول از شرکت‌های زیان‌ده خارج شده از بورس اوراق بهادار به‌عنوان جامعه‌ی آماری استفاده نشده است و در ثانی رابطه‌ی میان محافظه‌کاری و زیان‌دهی بررسی نشده است. تفاوت فرضیه‌های این پژوهش با فرضیه‌های پژوهش‌های خارجی نیز آن است که فرضیه‌های این پژوهش، رابطه‌ی متغیرهای حسابداری شرکت‌هایی را با زیان حسابداری آزمون می‌نماید که در مقایسه با بازارهای خارجی نظیر بازار سرمایه‌ی استرالیا و یا آمریکا، در یک بازار سرمایه‌ی کمتر توسعه یافته فعالیت می‌کنند. هم‌چنین این پژوهش در یک محیط اقتصادی انجام می‌شود که دولت مالک اصلی صنایع بوده و به‌عبارتی مالکیت از مدیریت به‌طور محتوایی جدا نشده است. این درحالی است که پژوهش خارجی در محیطی انجام شده‌اند که در آن مالکیت از مدیریت به‌طور محتوایی تفکیک شده است.

#### فرضیه‌ی اصلی

(۱) میان محافظه‌کاری حسابداری و زیان شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

#### فرضیه‌های فرعی

(۲) میان نسبت فروش به جمع دارایی‌ها و زیان شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

(۳) میان درصد مالکیت دولت و زیان شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

(۴) میان اندازه‌ی شرکت و زیان شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

(۵) میان نسبت اهرمی و زیان شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

### ۴. روش‌شناسی پژوهش

قلمرو مکانی پژوهش، شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش نیز از سال ۱۳۸۰ - ۱۳۸۶ (یک دوره‌ی هفت ساله) تعیین شده است.

روش پژوهش، از نوع پژوهش همبستگی است. داده‌های پژوهش نیز از نوع داده‌های ترکیبی است. هم‌چنین جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، شامل شرکت‌هایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

- شرکت‌هایی که از سال ۱۳۸۰ مورد پذیرش قرار گرفته و شرکت سرمایه‌گذاری نباشند.
  - شرکت‌هایی که دوره‌ی مالی آن‌ها آخر اسفند ماه هر سال بوده و در دوره‌ی مورد بررسی توقف معامله نداشته باشند.
  - شرکت‌هایی که بعد از پذیرش زیان گزارش نموده و داده‌های آن‌ها در دسترس باشند.
- با توجه به مجموعه‌ی شرایط گفته شده، تنها ۴۸ شرکت در دوره‌ی زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۶ شرایط بالا را دارا بوده و بنابراین به‌عنوان جامعه‌ی مورد بررسی، انتخاب شدند.

#### ۵. متغیرهای مورد مطالعه

متغیر وابسته در پژوهش حاضر، زیان خالص شرکت است. اما متغیرهای مستقلی که اثر آن‌ها بر زیان خالص به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارت است از: شاخص محافظه کاری، اندازه‌ی شرکت، نسبت فروش به جمع دارایی‌ها، درصد مالکیت دولت و نسبت اهرمی. از میان متغیرهای یاد شده، به‌غیر از شاخص محافظه کاری بقیه‌ی متغیرها متغیرهای مداخله‌گری هستند که ممکن است بر رابطه‌ی بین محافظه کاری و زیان-دهی شرکت‌ها اثرگذار باشند. در این پژوهش اثر متغیرهای مداخله‌گر، کنترل شده است. از دیدگاه نظری، شرکت‌های بزرگ و بسیار سودآور احتمالاً سودآوری بیشتری (زیان-دهی کمتری) در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند (کلین و مارکوآرت ۲۰۰۶ [۱۲]). از این رو اندازه‌ی شرکت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها داشته باشد؛ بنابراین در این پژوهش اندازه‌ی شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت اندازه-گیری می‌شود، به‌عنوان متغیر کنترل لحاظ شده است. نتایج پژوهش مک‌کونل و سرواس (۱۹۹۵) نشان داد که افزایش بدهی و پیرو آن افزایش هزینه‌های مالی باعث می‌شود تا مدیران پاداش کمتری دریافت کنند و در نتیجه این موضوع مدیران را وادار می‌کند تا عملکرد شرکت را بهبود ببخشند و از ورشکستگی آن جلوگیری کنند [۱۳]. هم‌چنین در

پژوهش زیتن و تیان (۲۰۰۷) نتیجه گیری شده است که استقراض باعث بهبود عملکرد شرکت‌ها می‌شود [۱۹]. بنابراین در این پژوهش نسبت بدهی بلندمدت به جمع دارایی‌ها (نسبت اهرمی) را به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده است. هم‌چنین در پژوهش نزرل هیسیم و همکاران (۲۰۰۸) رابطه‌ی میان درصد مالکیت دولت و شاخص عملکرد (سودآوری) تأیید شده است [۱۴]. بنابراین در این پژوهش درصد مالکیت دولت نیز به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده است. برای این منظور شرکت‌هایی که مالکیت دولتی دارند با عدد یک و شرکت‌هایی که مالکیت دولتی ندارند با مقدار صفر نشان داده می‌شوند. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری حسابداری، از مدل گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده شده است. شاخص محافظه‌کاری براساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$(-1) \times \frac{\text{اقلام تعهدی عملیاتی}}{\text{جمع دارایی‌ها در اول دوره}} = \text{شاخص محافظه‌کاری}$$

اقلام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی به‌علاوه هزینه‌ی استهلاک به‌دست می‌آید. به عقیده‌ی گیولی و هین (۲۰۰۰) رشد اقلام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه‌ی محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره‌ی بلند مدت باشد. به بیانی دیگر اگر اقلام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و بر عکس، از این رو برای تعیین جهت تغییرات محافظه‌کاری اقلام تعهدی در عدد منفی یک ضرب می‌شود. از آنجایی که فروش می‌تواند بر اقلام تعهدی نظیر تغییرات در حساب‌های دریافتی و موجودی کالا و شاخص سودآوری اثرگذار باشد، بنابراین در این پژوهش نسبت فروش به جمع دارایی به‌عنوان متغیر کنترل به متغیرهای پژوهش اضافه شده است. برای کنترل عامل تورم بر اقلام تعهدی و تغییرات محافظه‌کاری و هم‌چنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح شرکت‌ها با اندازه‌های مختلف و هم‌چنین برای کاهش ناهمسانی واریانس در باقی‌مانده‌ی مدل (جمله‌ی پسماند)، متغیرهای پژوهش بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است [۱۱]. دلیل انتخاب مدل بالا برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری شامل مواردی است که بیان می‌شود:



الف) مدل‌های موجود برای اندازه‌گیری محافظه کاری از جمله مدل باسو و مدل پنمن و ژانگ که در برخی از پژوهش‌های داخلی نیز از آن‌ها استفاده شده، در اندازه‌گیری محافظه کاری با خطای زیادی مواجه هستند [۱۰].

ب) اطلاعات مدل مورد استفاده‌ی این پژوهش، مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و در آن از شاخص‌های بازار استفاده نمی‌شود. با توجه به دسترسی به اطلاعات صورت‌های مالی، برای اندازه‌گیری محافظه کاری نهفته در صورت‌های مالی، این مدل نسبت به سایر مدل‌ها برای بازارهای در حال توسعه نظیر بازار سرمایه ایران، مناسب‌تر است [۱۱].

### ۶. تحلیل یافته‌های پژوهش و آزمون فرضیه‌ها

در ادامه‌ی این مقاله، خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش شامل نتایج حاصل از آزمون فرضیه، مدل به دست آمده، محدودیت‌ها و پیشنهادها آورده می‌شود.

#### ۶-۱. آزمون فرضیه

آزمون فرضیه با استفاده از نرم افزار spss و به روش تجزیه و تحلیل گام به گام انجام و مشخص شد که محافظه کاری حسابداری، اندازه‌ی شرکت و نسبت اهرمی با زیان‌دهی شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار دارند و بر آن تأثیر گذار هستند. درصد مالکیت دولت و نسبت فروش به جمع دارایی‌ها با زیان‌دهی شرکت‌ها رابطه‌ی معنادار ندارند. نتایج آزمون فرضیه در جدول شماره ۱-۱-۶ آورده شده است. با توجه به این جدول، به غیر از درصد مالکیت دولت و نسبت فروش به جمع دارایی‌ها، سطح معناداری بقیه‌ی متغیرها کمتر از ۵ درصد است. بنابراین فرضیه‌ی اصلی و فرضیه‌های فرعی شماره‌های ۴ و ۵ پذیرفته و سایر فرضیه‌های فرعی نیز رد می‌شوند.

نگاره ۱-۱-۶. نتایج مربوط به آزمون فرضیه

ضرایب	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد شده	آماره تی استیودنت	سطح معناداری	آماره‌های هم خطی	
	خطای استاندارد	بتا	بتا			تولرانس	عامل تورم واریانس
نسبت اهرمی	۰/۰۰۷	-/۱۱۶	-۰/۴۹۱	-۱۵/۹۵۳	۰/۰۰۰	۰/۷۷۷	۱/۲۸۶
نسبت فروش به دارایی	۰/۰۳۵	۰/۰۳۹	۰/۰۳۱	۱/۱۰۹	۰/۲۶۸	۰/۹۲۸	۱/۰۷۷
اندازه‌ی شرکت	۰/۰۰۹	۰/۰۲۳	۰/۰۷۲	۲/۵۰۴	۰/۰۱۳	۰/۹۰۲	۱/۱۰۸
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۰۳۰	۰/۵۴۶	۰/۵۴۳	۱۸/۵۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۵۶	۱/۱۶۹
مالکیت دولت	۰/۰۴۶	۰/۰۶۰	۰/۰۳۶	۱/۲۹۳	۰/۱۹۷	۰/۹۳۱	۱/۰۷۴

متغیر وابسته: زیان خالص

۶-۲. آزمون نرمال بودن متغیر وابسته

نرمال بودن توزیع متغیر وابسته یکی از مفروضات اساسی روش همبستگی محسوب می‌شود. بنابراین در این جا از طریق آزمون کلومگورف-اسمرینف، نرمال بودن متغیر وابسته در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره ۱-۲ آورده شده است. از آنجایی که سطح اهمیت متغیر وابسته برابر ۱۹/۸ درصد یعنی بیشتر از ۵ درصد است، بنابراین متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مقادیر باقی مانده در خط رگرسیون نیز دارای توزیعی نرمال هستند و احتمالاً ناهمسانی واریانس ندارند.

نگاره ۱-۲-۶. آزمون کلومگورف-اسمرینف

شرح	زیان خالص
تعداد مشاهدات	۳۳۵
آماره‌ی کلومگورف-اسمرینف	۱/۰۷۵
سطح معناداری	۰/۱۹۸

### ۳-۶. مدل زیان‌دهی

در این قسمت با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه، مدل پیش‌بینی زیان‌دهی برای کل شرکت‌های نمونه آماری، تدوین و ارایه می‌شود. در آزمون فرضیه رابطه‌ی متغیرهای محافظه کاری حسابداری، نسبت اهرمی و اندازه شرکت با زیان خالص تأیید شد. با توجه به جدول شماره ۱-۱-۶، مقادیر سطح معناداری برای متغیرهای یاد شده کمتر از ۵ درصد است. هم‌چنین جدول بالا ضرایب مربوط به هر یک از متغیرهای مستقل را مشخص نموده است. بنابراین مدل زیان‌دهی به صورت زیر از جدول قبل استخراج می‌شود:

$$\text{Loss} = 0.546 \text{ Cons} - 0.116 \text{ Lev} + 0.023 \text{ Size} + \varepsilon$$

که در آن:

Loss = زیان خالص هر شرکت در هر سال

Cons = شاخص محافظه کاری هر شرکت در هر سال

Size = اندازه‌ی شرکت که عبارت است از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های هر شرکت

نسبت اهرمی هر شرکت در هر سال، برابر است با جمع بدهی بلندمدت به جمع دارایی‌ها =

Lev

$\varepsilon$  = میزان خطای مدل

### ۴-۶. آزمون آنالیز واریانس

آنالیز واریانس (Anova) نشان می‌دهد که تا چه اندازه خط رگرسیون می‌تواند زیان را پیش‌بینی و صحت مدل بالا را تأیید نماید. برای این منظور فرضیه‌های آزمون آنالیز واریانس به صورت زیر بیان می‌شود:

$H_0$ : رابطه‌ی خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود ندارد.

$H_1$ : رابطه‌ی خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد.

نتایج این آزمون در جدول شماره ۱-۴-۶ آورده شده است. این جدول شامل آماره‌های مجموع مجذورات، درجه آزادی، مجذور میانگین، آماره‌ی F و سطح معناداری است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، آماره F برابر ۲۰۵/۲۱۴ بوده و رقم با اهمیتی است. این موضوع باعث می‌شود تا آماره‌ی سطح معناداری خط رگرسیون نیز صفر شود. بنابراین در آزمون یاد شده سطح معناداری در ناحیه‌ی رد  $H_0$  می‌افتد و فرضیه  $H_1$  تأیید می‌شود.

بنابراین فرض  $H_0$  مبنی بر عدم وجود خط رگرسیون در سطح اعتماد ۹۵ درصد و یا خطای پنج درصد رد می‌شود. از این رو آزمون آنالیز واریانس صحت مدل را تأیید می‌نماید. هم-چنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل رگرسیون که نسبتی از واریانس بیان شده به کل واریانس را نشان می‌دهد با توجه به جدول شماره ۲-۴-۶ برابر ۷۵ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که ۷۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (Loss) براساس تغییرات متغیرهای مستقل مدل بیان می‌شود و مابقی آن متأثر از سایر عواملی است که قابل مشاهده نیستند. هم‌چنین آماره‌ی دورین واتسن بیانگر آن است که مقادیر باقی‌مانده‌ی مدل، دارای خودهمبستگی نیست.

نگاره‌ی ۱-۴-۶. زیان خالص: متغیر وابسته

سطح معناداری	آماره F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آنالیز واریانس
۰/۰۰۰	۲۰۵/۲۱۴	۱۰/۷۷۴	۵	۵۳/۸۷۰	رگرسیون
		۰/۰۵۲۵	۳۳۰	۱۷/۳۲۵	باقی مانده
			۳۳۵	۷۱/۱۹۵	جمع

نگاره‌ی ۲-۴-۶. نتایج مربوط به آنالیز واریانس

آماره‌ی دورین واتسن	سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	تغییرات F	تغییرات ضریب تعیین	خطای استاندارد	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
۱/۷۴۱	۰/۰۰۰	۳۳۰	۵	۲۰۵/۲۱۴	۰/۷۵۷	۰/۲۲۹	۰/۷۵۳	۰/۷۵۷	۰/۸۷۰	

زیان خالص: متغیر وابسته

#### ۵-۶. هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل

اغلب هم حرکتی و یا هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود دارد. اما اگر این هم خطی زیاد باشد، مدل مناسب نخواهد بود. یکی از روش‌های آزمون هم خطی محاسبه‌ی ماتریس همبستگی است. در این ماتریس ضریب همبستگی بین هر زوج از متغیرهای مستقل محاسبه می‌شود. عدم همبستگی متغیرهای مستقل به معنای این است که ضریب همبستگی بین هر

زوج از متغیرهای مستقل مساوی صفر است. اما در عمل به دست آوردن ضریب همبستگی صفر ممکن نیست و به عنوان یک قاعده می‌توان ضرایب همبستگی کمتر از ۵۰ درصد بین هر زوج متغیرهای مستقل را قابل قبول دانست و نگران وجود هم خطی نبود. در این پژوهش چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و قابل تفکیک پذیر هستند، بیانگر این موضوع است که هم حرکتی میان متغیرها حاد نیست. میزان نوسانات هم خطی میان متغیرهای مستقل مدل در جدول شماره ۱-۵-۶ آورده شده است. این جدول نشان می‌دهد که هر زوج از متغیرهای مستقل دارای هم خطی حاد نیستند. بیشترین میزان هم خطی میان شاخص محافظه کاری و نسبت اهرمی است که مقدار آن برابر ۳۴ درصد است.

تکراهی ۱-۵-۶. نتایج مربوط به هم خطی

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون		
	نسبت اهرمی	اندازه‌ی شرکت	محافظه کاری
نسبت اهرمی	۱	۰/۴۹۴	-۰/۳۴۷
اندازه‌ی شرکت		۱	۰/۱۳۱
محافظه کاری			۱

هم چنین مقادیر آماره‌های عامل تورم واریانس و تولرانس جدول شماره ۱-۱-۶ عدم وجود هم خطی (خود همبستگی) میان متغیرهای مستقل را تأیید می‌نماید. در آمار هرچه مقادیر این دو آماره به یک نزدیک تر باشند، در آن صورت متغیرهای مستقل مدل، با هم خود همبستگی ندارند.

#### ۶-۶. سایر یافته‌های پژوهش

در ادامه‌ی مقاله رابطه‌ی هر یک از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته باید با توجه به مبانی نظری حسابداری و علم آمار تفسیر شود. به این صورت که نتایج هر دو تفسیر حسابداری و آماری باید با هم هماهنگی داشته باشند.

#### ۱-۶-۶. تفسیر اثر محافظه کاری بر زیان دهی شرکت‌ها

##### تفسیر آماری

با توجه به مدل، محافظه کاری رابطه‌ای مستقیم با زیان دهی دارد. یعنی اگر محافظه کاری افزایش یابد، زیان دهی نیز افزایش می‌یابد. در این جا، اگر محافظه کاری یک درصد افزایش یابد، زیان دهی نیز با فرض ثابت بودن سایر عوامل به طور متوسط به میزان ۵۴ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین محافظه کاری اثری مستقیم بر زیان دهی شرکت‌ها دارد.

##### تفسیر حسابداری

بر اساس مبانی نظری حسابداری، محافظه کاری موجب کاهش سود و افزایش زیان در شرکت‌ها می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های زیان‌ده، تمایلی ندارند تا با دستکاری در زیان آن را به سود تبدیل نمایند یا این که ابزار لازم را برای تبدیل زیان به سود ندارند. بنابراین محافظه کاری مکانیزم مؤثری در کاهش تعارضات میان مدیر و سایر گروه‌ها در ایجاد سود است. نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری تطبیق دارد.

#### ۲-۶-۶. تفسیر اثر نسبت اهرمی با زیان دهی شرکت‌ها

##### تفسیر آماری

با توجه به مدل، نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها اثری معکوس دارد. یعنی اگر نسبت اهرمی افزایش یابد، زیان دهی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. در این جا، اگر نسبت اهرمی یک درصد افزایش یابد، زیان دهی شرکت‌ها نیز با فرض ثابت بودن سایر عوامل به طور متوسط به میزان ۱۱ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین نسبت اهرمی اثر معکوس بر زیان دهی دارد.

##### تفسیر حسابداری

تفسیر این موضوع از نظر حسابداری آن است که اگر شرکت‌های زیان‌ده از طریق استقراض تأمین مالی نمایند، در آن صورت می‌توانند منابع مالی استقراض شده را در چرخه‌ی عملیات خود استفاده نمایند و فروش خود را افزایش دهند تا به این طریق زیان دهی خود را کاهش دهند. این موضوع با نتایج پژوهش‌های خارجی از جمله پژوهش مک کونل و سرواس (۱۹۹۵) و پژوهش زیتن و تیان (۲۰۰۷) مطابقت دارد. نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری تطبیق دارد.

### ۳-۶-۶. تفسیر اثر اندازه‌ی شرکت بر زیان‌دهی شرکت‌ها

#### تفسیر آماری

با توجه به مدل، اندازه‌ی شرکت، رابطه‌ای مستقیم با زیان‌دهی دارد. یعنی هر چه اندازه‌ی شرکت افزایش یابد، زیان‌دهی افزایش می‌یابد. در این جا، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، اگر اندازه‌ی شرکت یک درصد افزایش یابد، زیان‌دهی نیز به‌طور متوسط به میزان ۲ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین اندازه‌ی شرکت، اثر مستقیم بر زیان‌دهی دارد.

#### تفسیر حسابداری

در پژوهش‌ها و متون مختلف حسابداری، رابطه‌ی میان اندازه‌ی شرکت و شاخص‌های عملکرد نظیر سود و زیان تأیید شده است. مانند پژوهش احمد (۲۰۰۲) و پژوهش گیولی و هین (۲۰۰۰).  
نتیجه: تفسیر آماری با تفسیر حسابداری تطبیق دارد.

### ۷. خلاصه و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر در بیشتر موارد مشابه نتایج پژوهش‌های خارجی یعنی پژوهش کلین و مارکوآرت (۲۰۰۶) و گیولی و هین (۲۰۰۰) در آمریکا و پژوهش بال کریشنا و همکاران (۲۰۰۷) در استرالیا است. نتایج این پژوهش همانند پژوهش‌های خارجی گفته شده، بر وجود رابطه‌ای مثبت و مستقیم زیان حسابداری و محافظه کاری تأکید دارند. از تشابه‌های دیگر نتایج این پژوهش با پژوهش‌های مشابه خارجی، ارتباط مستقیم زیان شرکت‌ها با اندازه و ارتباط معکوس آن با نسبت اهرمی است. استنباط نتایج پژوهش، بیانگر این موضوع است که تأمین مالی شرکت‌های زیان‌ده از طریق استقراض، می‌تواند موجب بهبود در عملکرد شرکت‌های زیان‌ده شود؛ زیرا این موضوع مدیران را وادار می‌کند تا عملکرد شرکت را بهبود ببخشند و از ورشکستگی آن جلوگیری کنند. هم‌چنین در شرکت‌های زیان‌ده محافظه کاری حسابداری می‌تواند رفتار جانبدارانه‌ی مدیر را در بیش‌نمایی سود خنثی و به تأخیر اندازد. در نتیجه‌ی پرداخت‌های اضافی به مدیر و سایر گروه‌ها نظیر سهامداران، محدود و ارزش شرکت نیز در بلندمدت افزایش می‌یابد، بنابراین افزایش محافظه کاری موجب ارتقای ارزش شرکت‌های زیان‌ده در بلندمدت می‌شود.

### ۸. محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. در ذیل آن محدودیت‌ها فهرست می‌شوند:

- تفکیک محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی با استفاده از مدل تاکنون در هیچ‌یک از پژوهش‌ها امکان‌پذیر نبوده است.

- عدم استفاده از برخی از مدل‌های محاسبه محافظه‌کاری به دلیل عدم وجود اطلاعات آن مدل‌ها در ایران، به‌طور مثال مدل پنمن و ژانگ و یا مدل ریان و بیور

- در محاسبه‌ی اقلام تعهدی عملیاتی منعکس در صورت‌های مالی شرکت‌ها، این امکان وجود دارد، اقلام غیر عملیاتی نیز در آن وجود داشته باشد، که تفکیک آن برای پژوهشگران امکان‌پذیر نبوده است.

### ۹. پیشنهادهای پژوهش

پیشنهاد این پژوهش برای پژوهش‌های آتی به قرار زیر است:

- بررسی این که آیا پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی محافظه‌کاری حسابداری موجب

ارتقاء و پیشرفت نظریه‌ی اثباتی حسابداری شده است یا خیر؟

- بررسی رابطه‌ی تغییر حسابرس و محافظه‌کاری حسابداری

- بررسی تطبیقی محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی

- بررسی رابطه‌ی متغیرهای غیر مالی با زیان‌دهی شرکت‌ها

- بررسی رابطه‌ی محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکت‌ها

### منابع

۱. بنی مهد بهمن. تبیین و آرایه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری، رساله‌ی

دکترای رشته‌ی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران؛ ۱۳۸۵.

۲. رضازاده جواد، آزاد عبدالله. رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در

گزارشگری مالی. فصل‌نامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۷؛ ۵۴: ۸۰-۶۳.

۳. کردستانی و امیر بیگی. محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه‌ی عدم تقارن

زمانی سود و MTB به‌عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری. فصلنامه‌ی بررسیهای

حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۷؛ ۵۲: ۱۰۶-۸۹.



4. Ahmed A. S., Billings B. K., Morton R. M., Stanford-Harris M. The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs, *The Accounting Review* 2002; 77(4): 867-890.
5. Ahmed, A, S, Scott Duellman. Evidence on the Role of Accounting conservatism in Monitoring Managers' Investment AAA 2008 Financial Accounting and Reporting Section. [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com); 2008.
6. Balkrishna Harishankar; Coulton Jeffrey J.; Taylor Stephen L. Accounting Losses and Earnings Conservatism: Evidence from Australian Generally Accepted Accounting Principles 2007; 47(3): 381-400.
7. Basu S. The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings, *Journal of Accounting & Economics* 1997; 24: 3-37.
8. Feltham G, Ohlson J. A. Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities, *Contemporary Accounting Research* 1995; 11(2): 689-731.
9. García Lara, Beatriz G. Osma, Fernando Penalva. Cost of Equity and Accounting Conservatism. IESE Business School, University of Navara; 2006.
10. Givoly D., C. K. Hayn, A. Natarajan. Measuring Reporting Conservatism. *The Accounting Review* 2007; 82 (1): 65-106.
11. Givoly D., Hayn C. The changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?, *Journal of Accounting and Economics* 2000; 29(3): 287-320.
12. Klein April, Marquardt Carol. Fundamentals of Accounting Losses. *The Accounting Review* 2006; 81(1): 179-206.
13. McConnell J., Servaes H. Equity Ownership and the Faces of Debt. *Journal of Financial Economics* 1995; 27: 595-613.
14. Nazrul Hisyam Ab Razaka, Rubi Ahmad, Huson Joher Aliahmed. Government Ownership and Performance: An Analysis of Listed Companies in Malaysia 2008; working paper, [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com).
15. Qiang X. The effects of Contracting, Litigation, Regulation, and Tax Costs on Conditional and Unconditional Conservatism: Cross-sectional Evidence at the Firm Level. *Accounting Review* 2007; 82: 759-796.
16. Ryan S. Identifying Conditional Conservatism. *European Accounting Review* 2006; 15 (4): 511-525.

17. Watts Ross, Zimmerman Jerold. Towards a Positive Theory of the Determinants of Accounting Standards. *The Accounting Review* 1978; LIII(1).
18. Watts R. L. Conservatism in Accounting, Part I: Explanations and Implications, *Accounting Horizons* 2003; 17(3): 207-221.
19. Zeitun R., Tian G.G. Does Ownership Affect a Firm's Performance and Default Risk in Jordan?. *Corporate Governance* 2007; 7(1): 66-82.

Archive of SID